



۰۱ نوامبر، ۲۰۲۶

احمد فواد ارسلا

ترمپ احتمالاً پس از انتخابات میان دوره یی بار دیگر به ایران حمله خواهد کرد



آمادگی‌های نظامی، هشدارها به متحدان خلیج فارس، افزایش فشارهای اقتصادی و بن بست در مذاکرات، همگی از احتمال آغاز دوباره عملیات نظامی امریکا علیه ایران حکایت دارند. انتخابات سوم نوامبر ممکن است زمان اقدام ترمپ را تعیین کند، اما نشانه‌ها نشان می‌دهند که واشنگتن برای ازسرگیری جنگ آماده می‌شود.

ایالات متحده برای دور تازه‌ای از عملیات نظامی علیه ایران آمادگی می‌گیرد و به نظر می‌رسد روزهای بلافاصله پس از انتخابات میان‌دوره‌یی سوم نوامبر، محتمل‌ترین زمان برای این اقدام باشد.

بر اساس راپور روزنامه‌وال استریت جورنال، واشنگتن به کشورهای عربی خلیج فارس هشدار داده است که خود را برای یک کارزار نظامی کوتاه‌مدت اما شدید پس از انتخابات آماده کنند. گزارش‌ها نشان می‌دهند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، به سوی یک حمله گسترده علیه زیربناها و تأسیسات اتمی ایران تمایل دارد. نیروهای امریکایی در حال تکمیل ذخایر مهمات و تسلیحات خود، جابه‌جایی پرسونل نظامی، تقویت وسایط دفاع راکتی در اسرائیل و آماده‌سازی

نیروهای بیشتر دریایی و قوای بحری برای اعزام به منطقه هستند. اسرائیل نیز در حال آماده‌سازی اهداف و طرح‌های عملیاتی خود است.

این آمادگی‌ها نشان می‌دهند که دولت امریکا خود را برای ازسرگیری عملیات گسترده نظامی آماده می‌کند. ترمپ هنوز تصمیم نهایی خود را به‌صورت علنی اعلام نکرده است، اما به نظر می‌رسد واشنگتن مصمم است انتخاب نظامی را همچنان روی میز نگه دارد و در عین حال، آخرین فرصت را برای مذاکرات فراهم سازد.

اگر ایران خواسته‌های واشنگتن را نپذیرد، محتمل‌ترین سناریو حمله دوباره امریکا خواهد بود.

انتخابات میان دوره‌یی ممکن است زمان حمله را تعیین کند:

زمان‌بندی این حمله از نظر سیاسی اهمیت زیادی دارد. یک حمله بزرگ پیش از سوم نوامبر می‌تواند قیمت سوخت را افزایش دهد، بازارهای مالی را بی‌ثبات سازد و به نامزدان جمهوری‌خواهی آسیب برساند که همین اکنون نیز با نارضایتی مردم از وضعیت اقتصادی و جنگ روبه‌رو هستند.

به تأخیر انداختن حمله تا پس از انتخابات، آزادی عمل بیشتری به ترمپ می‌دهد و مانع آن می‌شود که یک عملیات نظامی تازه در روزهای پایانی کارزار انتخاباتی به موضوع اصلی رقابت‌ها تبدیل شود.

پیروزی دموکرات‌ها در یکی یا هر دو مجلس کانگرس می‌تواند به تحقیقات بیشتر، مخالفت شدید تر با تأمین مالی عملیات نظامی و تلاش‌های تازه برای محدود ساختن صلاحیت‌های رئیس‌جمهور در زمینه آغاز جنگ منجر شود. در مقابل، حفظ اکثریت جمهوری خواهان به ترمپ فضای سیاسی بیشتری برای مانور خواهد داد. با این حال، هیچ یک از این دو نتیجه به‌خودی‌خود به معنای پایان جنگ نخواهد بود.

انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۲۰۰۶ نمونه تاریخی قابل توجهی در این زمینه است. جمهوری‌خواهان در آن زمان به دلیل مخالفت گسترده مردم با جنگ عراق شکست سنگینی خوردند، اما جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور وقت امریکا، بلافاصله نیروهای امریکایی را از عراق خارج نکرد. برعکس، او در سال ۲۰۰۷ دستور افزایش شمار نیروهای نظامی امریکا در عراق را صادر کرد.

ترمپ نیز ممکن است مسیر مشابهی را در پیش بگیرد. او شاید به این نتیجه برسد که ایالات متحده باید رویارویی با ایران را با شرایط مطلوب خود به پایان برساند، نه این که آتش‌بسی را بپذیرد که به تهران فرصت بازسازی توانایی‌های نظامی‌اش را بدهد.

دوره پس از سوم نوامبر همچنین به دولت امریکا فرصت می‌دهد تا آمادگی‌های خود را تکمیل کند، دفاع منطقه‌ای را تقویت نماید و نیروهایش را برای یک عملیات متمرکز نظامی در موقعیت مناسب قرار دهد.

بنابراین، انتخابات ممکن است زمان سیاسی حمله را تعیین کند، نه این که مانع آن شود.

آمادگی‌های نظامی از حمله دوباره حکایت دارند:

گزارش‌های مربوط به جابه‌جایی نیروهای امریکایی از روشن‌ترین نشانه‌هایی هستند که نشان می‌دهند احتمال حمله دیگری به‌طور جدی در نظر گرفته شده است.

واشنگتن در حال تقویت وسایط دفاع راکتی اسرائیل، تکمیل ذخایر تسلیحاتی، جابه‌جایی پرسونل نظامی و آماده‌سازی نیروهای بیشتر دریایی و بحری برای اعزام به منطقه است. این آمادگی‌ها از یک سو امکان اجرای عملیات نظامی تازه علیه ایران را فراهم می‌کنند و از سوی دیگر، برای حفاظت از نیروهای امریکایی و متحدان منطقه‌ای در برابر حملات تلافی‌جویانه ایران در نظر گرفته شده‌اند.

تهران همچنان زرادخانه قابل توجهی از راکت‌ها در اختیار دارد و خود را برای رویارویی دیگری آماده کرده است. رهبران ایران تهدید کرده‌اند که پایگاه‌های نظامی امریکا، تأسیسات انرژی و دیگر منافع ستراتیژیک این کشور را در سراسر منطقه هدف قرار خواهند داد. متحدان منطقه‌ای ایران نیز ممکن است وارد جنگ شوند و در نتیجه، جنگ از اهداف اولیه فراتر برود.

به همین دلیل، وزارت دفاع امریکا باید برای هر دو بخش عملیات آماده باشد: حمله به اهداف ایرانی و دفاع از نیروهای امریکایی در برابر حملات تلافی‌جویانه.

هدف گزارش شده واشنگتن، اجرای یک کارزار نظامی کوتاه اما شدید است که با وارد کردن خسارات بیشتر به ایران، رهبران این کشور را وادار سازد دوباره به میز مذاکره بازگردند. به نظر می‌رسد دولت امریکا خود را برای اقدام سریع در صورت شکست دیپلماسی آماده می‌کند.

تحریم‌ها فشار بر تهران را افزایش می‌دهند:

آمادگی‌های نظامی هم‌زمان با گسترش کارزار اقتصادی امریکا علیه ایران جریان دارد.

واشنگتن محدودیت‌ها بر صادرات تیل و معاملات مالی ایران را تشدید کرده و در کنار آن، بانک‌ها، شبکه‌های اسعار دیجیتال، شرکت‌های کشتیرانی، شرکت‌های طیارات و واسطه‌های خارجی را که متهم به کمک به تهران برای دور زدن تحریم‌ها هستند، هدف قرار داده است.

هدف این اقدامات کاهش درآمد‌های ایران، محدود ساختن دسترسی این کشور به نظام مالی بین‌المللی و دشوار ساختن خرید تجهیزات و بازسازی زیربنای نظامی آن است.

فشار بر بانک‌های خارجی اهمیت خاص دارد. مؤسسات مالی بین‌المللی برای دسترسی به خدمات مالی امریکا و انجام معاملات با دلار، وابستگی زیادی به نظام مالی این کشور دارند. بانک‌هایی که خطر از دست دادن این امتیازات را بپذیرند، ممکن است به این نتیجه برسند که ادامه تجارت با ایران ارزش تحمل چنین عواقب را ندارد.

واشنگتن همچنین پلتفرم‌های اسعار دیجیتال و شبکه‌های مالی ای را هدف قرار داده است که متهم به کمک به ایران برای انتقال پول خارج از مجراهای معمول بانکی هستند. تحریم‌های کشتیرانی با هدف مختل ساختن شبکه‌های انتقال تیل ایران اعمال می‌شوند، در حالی که محدودیت‌های هوانوردی، دسترسی شرکت‌های طیارات ایران به طیاره‌ها، پرزه جات و خدمات مرتبط را دشوارتر می‌سازند.

این اقدامات مصارف دور زدن تحریم‌ها را افزایش داده و روابط تجاری ایران با شرکت‌های خارجی را پیچیده‌تر ساخته‌اند.

از دیدگاه واشنگتن، ترکیب خسارات نظامی و فشار اقتصادی می‌تواند فرصت مناسبی برای گرفتن امتیازات بیشتر از ایران فراهم سازد. اگر منابع مالی ایران همچنان محدود بماند و بازسازی توانایی‌های نظامی آن با موانع روبه‌رو شود، ترمپ ممکن است باور کند که یک دور دیگر حملات نظامی می‌تواند به نتایجی دست یابد که تحریم‌ها و مذاکرات تاکنون نتوانسته‌اند به آن برسند.

ایران سال ها تحریم را تحمل کرده، بدون آن که نظام سیاسی یا اهداف ستراتیژیک خود را کنار بگذارد. با این حال، به نظر می رسد دولت امریکا بیش از گذشته آماده است تا میزان تأثیر فشار نظامی متمرکز را بر تصمیم گیری تهران آزمایش کند و ببیند آیا چنین فشاری می تواند ایران را به پذیرش شرایط امریکا و ادار سازد یا خیر.

اختلاف بر سر پلان های اتمی همچنان حل نشده باقی مانده است:

اختلاف اساسی میان واشنگتن و تهران همچنان پابرجاست. ایالات متحده خواهان محدودیت های جدی بر بلند پروازی های اتمی ایران و تضمین هایی است که مانع بازسازی توانایی هایی شود که واشنگتن آن ها را تهدیدی علیه خود می داند. ایران در مقابل، خواسته هایی را که غیرقابل قبول می داند، رد کرده است.

آژانس بین المللی انرژی اتمی پس از حملات نظامی، برای بررسی وضعیت مواد اتمی و تأسیسات ایران با دشواری روبه رو شده است، زیرا مفتشان این آژانس به دسترسی لازم برای ارزیابی کامل وضعیت دسترسی نداشته اند.

برای دولت ترمپ، حل نشدن مسئله اتمی دلیل دیگری برای ادامه فشار بر ایران به شمار می رود. واشنگتن خواهان توافقی است که مانع احیای توانایی های اتمی ایران شود و ظرفیت این کشور برای تهدید نیروهای امریکایی و متحدان منطقه یی را محدود سازد.

ترامپ همچنین از وضعیت آتش بس ابراز نارضایتی کرده و تهدید به آغاز دور دیگری از عملیات نظامی نموده است. او از این کارزار به عنوان مرحله دیگری از عملیات «خشم حماسی- Epic Fury» یاد کرده است.

دولت امریکا تلاش های دیپلماتیک را با آمادگی برای استفاده دوباره از نیروی نظامی همزمان پیش می برد. گزارش ها درباره تلاش های جی دی ونس، معاون رئیس جمهور امریکا، برای برقراری تماس با مقام های ایرانی نشان می دهد که هنوز یک مجرای مذاکره وجود دارد. مسئله اصلی این است که آیا تهران پیش از آن که ترمپ مذاکرات بیشتر را بی فایده بداند، حاضر خواهد شد امتیازاتی بدهد که برای واشنگتن قابل قبول باشد یا خیر.

یک توافق می تواند برای ترمپ پیروزی دیپلماتیک به همراه داشته باشد. اما ادامه بن بست، گزینه نظامی را در مرکز راهبرد او نگه خواهد داشت.

چرا ترامپ احتمالاً حمله خواهد کرد؟

سه عامل نشان می‌دهند که احتمال حملات دوباره آمریکا افزایش یافته است.

نخست، واشنگتن معتقد است که ایران در نتیجه عملیات نظامی و فشارهای اقتصادی تضعیف شده، دولت ترامپ ممکن است محاسبه کند که یک حمله متمرکز دیگر علیه پایگاه‌های نظامی، زیربنای و تأسیسات مرتبط با برنامه اتمی ایران می‌تواند توانایی‌های این کشور را بیشتر کاهش دهد و رهبران آن را به مذاکره وادار سازد.

دوم، ترامپ ممکن است باور داشته باشد که گذشت زمان به سود تهران تمام می‌شود. هر ماهی که بدون دستیابی به توافق سپری شود، به ایران فرصت می‌دهد تا دفاع خود را دوباره سازمان‌دهی کند، بخشی از توانایی‌های راکتی اش را بازسازی نماید و برای رویارویی بعدی آماده شود. واشنگتن ممکن است به این نتیجه برسد که حمله پیش از بازیابی توان نظامی ایران، دستاوردهای بیشتری به همراه خواهد داشت.

سوم، ترامپ از نظر سیاسی انگیزه دارد تا نشان دهد که ستراتیژی او می‌تواند به نتیجه قاطع برسد. اگر تهران خواسته‌های آمریکا را نپذیرد، او ممکن است نمایش دوباره قدرت نظامی را به توافقی ترجیح دهد که اختلافات اساسی را حل‌نشده باقی بگذارد.

یک کارزار نظامی تازه به مصرف بیشتر مهمات و تسلیحات منجر خواهد شد، نیروهای آمریکایی را در معرض خطرات بیشتری قرار خواهد داد و ثبات منطقه را تهدید خواهد کرد. اما ترامپ ممکن است این هزینه‌ها را قابل قبول بداند، بخصوص اگر باور داشته باشد که یک حمله متمرکز می‌تواند ایران را از موضع ضعف به میز مذاکره بکشانند.

به نظر می‌رسد منطق آمادگی برای یک عملیات کوتاه‌مدت اما قدرتمند همین باشد. واشنگتن می‌خواهد آن‌قدر به ایران خسارت وارد کند که محاسبات رهبران این کشور تغییر یابد، بدون آن‌که نیروهای آمریکایی را وارد جنگی نامحدود و طولانی سازد.

واشنگتن به سوی حمله دوباره حرکت می‌کند:

گزارش‌های مربوط به آمادگی‌های نظامی، هشدار به متحدان خلیج فارس و طرح‌های احتمالی

برای آغاز عملیات پس از انتخابات، همگی نشان می دهند که فرصت های دیپلماسی رو به کاهش است.

نیروهای امریکایی در حال تقویت دفاع منطقه ای، تکمیل ذخایر مهمات و تسلیحات، جابه جایی پرسونل نظامی و آماده سازی نیروهای بیشتر دریایی هستند. اسرائیل نیز خود را برای حملات بیشتر آماده می کند. همزمان، واشنگتن فشارهای اقتصادی را افزایش می دهد و تماس های دیپلماتیک با تهران را ادامه می دهد.

دولت امریکا در حالی خود را برای جنگ آماده می سازد که هنوز آخرین فرصت را در اختیار مذاکرات قرار داده است.

پس از پایان انتخابات میان دوره ای، ترمپ با دلایل انتخاباتی کمتری برای به تعویق انداختن تصمیم خود روبه رو خواهد بود. اگر مذاکرات همچنان در بن بست باقی بماند و مشاوران او به این نتیجه برسند که ایران در حال بازسازی توانایی های نظامی خود است، انگیزه حمله بیشتر خواهد شد.

محتمل ترین سناریو این است که ایالات متحده پس از انتخابات میان دوره ای سوم نوامبر بار دیگر به ایران حمله کند، مگر آن که پیشرفت دیپلماتیک محاسبات ترمپ را تغییر دهد. حمله نخست احتمالاً بر پایگاه های نظامی مشخص، زیر بناهای حیاتی و تأسیسات مرتبط با برنامه اتمی متمرکز خواهد بود. هدف این عملیات تضعیف بیشتر ایران و وادار ساختن رهبران آن به پذیرش خواسته های امریکا خواهد بود.

پرسش تعیین کننده این است که آیا تهران امتیازات کافی خواهد داد تا از حمله دوباره امریکا جلوگیری کند یا خیر. اگر چنین نکند، به نظر می رسد ترمپ برای از سرگیری عملیات نظامی آمادگی دارد.

واشنگتن نیروهای خود را در موقعیت مناسب قرار می دهد، فشارهای اقتصادی را تشدید می کند و شرکای منطقه ای خود را برای آنچه ممکن است در پیش باشد، آماده می سازد. روزهای بلافاصله پس از انتخابات، بیش از هر زمان دیگری به عنوان محتمل ترین زمان برای حمله بعدی مطرح شده اند.